

## دکتر جورج پیتون، ترجمه کتاب مقدس، جلسه 20 ترجمه ایده های کلامی، قسمت 2

جورج پیتون و تد هیلدبرانت ۲۰۲۵ ©

من دکتر جورج پیتون هستم در تدریس ترجمه کتاب مقدس. این جلسه بیستم، ایده های کلامی، بخش دوم است.

ما به بحث خود در مورد ایده های کلامی و نحوه ترجمه ایده های کلامی ادامه می دهیم. خوب، این ایده های کلامی، بخش دوم است و من می خواستم با مروری بر آنچه در بحث اول در مورد ایده های کلامی مطرح کردیم شروع کنم.

یک ایده کلامی نوعی مفهوم است که فعل در ذات خود دارد، اما می تواند با یک نقش دستوری دیگر بیان شود. کلمات است، مانند آواز خواندن او. اگر بگوییم، آواز خواندن او ING می تواند اسم یا وصفی باشد که شکل مرا دیوانه کرد، آواز خواندن او مانند یک چیز است، اما در واقع یک چیز نیست. در واقع یک عمل است.

گاهی اوقات، ایده ی کلامی در قالب یک صفت بیان می شود و ما برای پوشش دادن آن در بار اول، آن را مرور خواهیم کرد، اما اکنون فقط می خواستم آنها را تکرار کنم و آنچه را که در درس قبلی مورد بحث قرار دادیم پوشش دهم. بنابراین، هنگام ترجمه ایده های کلامی از طریق مرور، تفسیر آنها چالش برانگیز است زیرا اطلاعات خاصی را به ما نمی گویند. به عبارت دیگر، وقتی از یک اسم فعلی، یا یک صفت فعلی یا یک وجه وصفی استفاده می کنید، شکاف هایی در ارتباط وجود دارد.

چه چیزی کم است؟ کسی که عمل را انجام می دهد ذکر نشده است. بنابراین، اگر بگوییم ایمان، کسی به چیزی اعتقاد دارد. بنابراین کسی که به آن اعتقاد دارد ذکر نشده است؛ آنچه به آن اعتقاد دارد ذکر نشده است و در این اسم بیان شده است.

بنابراین، کسی که عمل را انجام می دهد، آنجا نیست. این در کلام صریح نیست. کسی که عمل را دریافت می کند، یک یا چند نفر که عمل را دریافت می کنند، نیز ذکر نشده اند.

و اگر ندانید چه کسی این عمل را دریافت می کند، درک آنچه در مورد آن صحبت می شود دشوار می شود. و این چیزی است که به ویژه رساله ها را بسیار پیچیده می کند. اگر منظورتان رستگاری است، چه کسی نجات می دهد؟ چه کسی نجات می یابد؟ و از چه چیزی نجات می یابند؟ همه این ها کاملاً کنار گذاشته می شوند.

اگر بگوییم بخشش، همان چیز است. تقدیس نیز همان چیز است. و بنابراین، به یاد داشته باشید، کاری که ما در کل این مجموعه سعی در انجام آن داریم، تمرکز بر شکاف های ارتباطی است، زیرا ما خواهان ارتباطی مناسب، واضح، دقیق و طبیعی هستیم که مردم را به خود جذب کند و این باعث تقویت رابطه آنها با خدا شود.

این چیزی است که ما به دنبال آن هستیم. و گفتیم که این شکاف های ارتباطی می توانستند توسط مردم محلی که این نامه ها و اسناد را دریافت می کردند، درک شوند، اما ما از آن دنیا نیستیم. ما از آن زبان نیستیم.

ما از آن دوره زمانی نیستیم. و بنابراین، ما به پر کردن شکاف های ذهنی خودمان مانند افراد آن دوره زمانی دسترسی نداریم. و بنابراین، اگر این شکاف ها در ترجمه های ما باقی بمانند، خوانندگان ما از این ترجمه ها نیز آن

ارتباطات را درک نخواهند کرد و شاید از خود بپرسند که اینجا درباره چه چیزی صحبت می‌شود؟ فکر می‌کنم تا حدودی می‌دانم، اما واقعاً مطمئن نیستم.

مخصوصاً اگر فرد، ایماندار جدید باشد یا مخصوصاً اگر جامعه‌ای از افراد ناآشنا باشد. اما حتی وقتی در کلیسا کار می‌کنیم، حتی وقتی سعی کرده‌ام برخی از این ایده‌ها را با افرادی در آمریکا که در کلیسا بزرگ شده‌اند و با متون مقدس آشنایی خوبی دارند به اشتراک بگذارم، هنوز با این مسائل مشکل دارم. بنابراین، این کاری است که ما سعی در انجام آن داریم و در صورت امکان سعی می‌کنیم هرگونه مانع، مانع یا مانعی را برای درک مطلب از بین ببریم.

فرآیندی که در درس اول طی کردیم نشان می‌دهد که این امر امکان‌پذیر است، نه صد در صد در هر مورد، اما می‌توان حداقل برخی از موانع را بهبود بخشید و از بین برد، اگر نگوئیم تعداد زیادی، تعداد قابل توجهی از آنها. بنابراین، کسی که عمل را انجام می‌دهد ذکر نشده است، کسی که عمل را دریافت می‌کند ذکر نشده است، و همچنین، خود عمل ممکن است مبهم باشد. علاوه بر این، عملکرد عبارت ممکن است نامشخص باشد.

مثلاً دیروز یا ببخشید، در سخنرانی قبلی از این عبارت استفاده کردیم. آمدن به اورشلیم. ببخشید، چه کسی به اورشلیم می‌آید؟ به این اشاره نشده است.

چرا در چنین عبارتی با یک فعل مضارع ذکر شده است؟ آمدن یک فعل مضارع است، آمدن به اورشلیم، و این صرفاً یک عبارت زمانی بود. خوب، باید بدانیم که این فرآیندی نیست که توصیف می‌شود. این یک تابع از زبان یونانی است که می‌توانید آن فعل مضارع را در آنجا قرار دهید تا نشان دهید چه زمانی این اتفاق افتاده است.

بنابراین منظور ما از عملکرد همین است. عملکرد عبارت چیست؟ و اگر شما همین الان عبارت «آمدن به اورشلیم، عیسی درخت انجیر را نفرین کرد» را بخوانید، باعث می‌شود تعجب کنید که چرا آن را در یک فعل مضارع مانند آن قرار داده‌اند. بنابراین، چنین کلماتی می‌توانند در عبارات پیچیده ظاهر شوند. گاهی اوقات آنها یک عبارت مفعولی دارند، گاهی اوقات در یک بخش از کلام هستند، گاهی اوقات یک استعاره یا اصطلاح در یک عبارت مفعولی هستند و در نهایت با یک متن واقعاً پیچیده، یک آیه واقعاً پیچیده، در مدت زمان، مکان و تعداد کلمات بسیار کوتاه مواجه می‌شوید.

بنابراین، واقعاً می‌تواند گیج‌کننده باشد. بنابراین، ما می‌خواهیم سعی کنیم این سردرگمی را ابتدا در ذهن خود به عنوان مترجم از بین ببریم. به یاد داشته باشید، ما نمی‌توانیم چیزی را که نمی‌فهمیم ترجمه کنیم.

و بنابراین ما در مورد تجزیه و تحلیل متن برای خودمان به عنوان خوانندگان کتاب مقدس قبل از رفتن به مرحله ترجمه صحبت می‌کنیم. ضمناً، تمام این اطلاعات، حتی اگر شما مترجم کتاب مقدس نباشید، می‌تواند به شما کمک کند تا کتاب مقدس را به روشی متفاوت درک کنید، و اگر در حال تدریس مطالعه کتاب مقدس هستید یا در کلیسا پیامی می‌دهید، یا اگر فقط با دوستان خود در مورد یک متن خاص صحبت می‌کنید می‌تواند تدریس شما را بهبود بخشد. بسیار خوب، چیزی که ما در مورد آن صحبت کردیم این است که تا حد امکان جاهای خالی را پر کنید و این اطلاعات ضمنی را تکمیل کنید.

همانطور که گفتیم، فرآیند کشف وجود دارد، زیرا نویسندگان آن چیزها را نگفته است. بسیار خوب، و بسیاری از زبان‌ها اسم‌های انتزاعی ندارند، و ترجمه آن مانند مثالی که از غلاطیان ۵:۲۲ و ۲۳ در پاپوا گینه نو دیدیم، غیرممکن است. اگر همه آن کلمات را بگویید، در ذهن آنها یک صفر ایجاد می‌شود، و فقط نویز است.

بنابراین این بدان معناست که ما باید قبل از ترجمه متن کتاب مقدس به متن مقصد، کاری برای تنظیم آن انجام دهیم، دستور زبان را تنظیم کنیم، واژگان را تنظیم کنیم، از اسم به فعل، از صفت به فعل. بنابراین کاری که ما سعی داریم انجام دهیم این است که ابتدا معنی را کشف کنیم قبل از اینکه به بخش بعدی ترجمه برویم. بسیار خوب، ما به سه نوع ایده کلامی اشاره کردیم.

اسم‌ها، و ما این اسم‌های انتزاعی را در نظر می‌گیریم. اسم ملموس یک چیز فیزیکی است که می‌توانید آن را لمس کنید، بچشید، ببینید، بشنوید و احساس کنید. بنابراین، اینها اسم‌های انتزاعی هستند.

ما ایمان، اطاعت، تعמיד، توبه، نجات، عدالت، رفاقت، که به طور خلاصه کویونیا نامیده می‌شود را داریم. سپس صفات، برگزیدگان را داریم. او فرشتگان خود را فرستاد تا برگزیدگانش را جمع کنند.

ناجی. چرا به آن صفت می‌گوییم؟ این یک صفت است، اما چیز دیگری هم هست. گناهکار، رسول، بنده، حاکم، ناظر.

به یک معنا، کسی که آن کار را انجام می‌دهد، کسی که نجات می‌دهد، کسی که حکومت می‌کند، کسی که فرستاده شده، کسی که نظارت می‌کند. و اگر از این منظر به آن فکر کنید، از یک چیز انتزاعی مانند ایمان به چیزی کمی ملموس‌تر تبدیل می‌شود، شخصی که یک فعالیت خاص را انجام می‌دهد. مورد سوم، وجه وصفی است، سلام کردن.

ما این را با الیزابت داشتیم که وقتی سلام تو را شنیدم به مریم گفت. آنها از درک عیسی شگفت زده شدند.

کتک زدن. کتک زدنش خیلی زیاده روی بود. رسیدن.

ورود به اورشلیم. سرود خواندن. سرود خواندن پولس و برنابا در زندان توجه حاکم را به خود جلب کرد.

تطهیر. پاکسازی معبد. عزاداری.

سوگواری برای از دست دادن خویشاوندش. بنابراین، می‌بینیم که اینها کلمات متفاوتی هستند. اسم و آن صفت، اگر بتوانم اینطور بگویم، وصفی از برگزیدگان و ناجی و غیره هستند.

که در زبان خود استفاده می‌کنیم، بحث خواهیم کرد. و از نظر ING سپس، در مورد وجه وصفی و کلمات گرامری، همه این موارد اسم هستند. آنها جایگاه اسم را در جمله پر می‌کنند.

آنها جایگاه فاعل جمله را پر می‌کنند. بنابراین، از نظر گرامری، آنها اسم هستند. و از نظر گرامری، آنها فاعل جمله هستند.

مشکل همین است، چون گاهی اوقات معنی نمی‌دهد. گاهی اوقات، زبان‌ها حتی نمی‌توانند این کار را انجام دهند. و بنابراین گفتیم، مراحل چیست؟ ما فعل اصلی را شناسایی کردیم.

ما شرکت‌کنندگان مرتبط با عمل را شناسایی کردیم، و گاهی اوقات، آن شرکت‌کنندگان اشیاء بی‌جان هستند. و ما از مثال «من کتاب را به تد دادم» استفاده کردیم. کتاب «از نظر فنی یک شیء بی‌جان است».

هیچ کاری انجام نمی‌دهد، اما به نحوی به عمل مرتبط است، بنابراین، ما آن را یک شرکت‌کننده می‌نامیم چون کلمه بهتری پیدا نمی‌کنم. اما حداقل ما یک دسته‌بندی داریم که بگوییم، خوب، ما سه چیز در این عمل دخیل داریم. ما جورج را داریم، ما تد را داریم، و ما کتاب را داریم.

بسیار خوب، پس ما شرکت‌کنندگان را شناسایی می‌کنیم. سپس، سعی می‌کنیم جمله را دوباره بیان کنیم شخصی را که عمل را انجام می‌دهد، شرکت‌کنندگان را صریحاً بیان کنیم و آن را به عنوان یک فعل محدود بیان کنیم. فعل محدود فعلی است که زمان، حال، گذشته و آینده دارد.

و یک شخص این کار را انجام می‌دهد. من این کار را به صورت اول شخص، دوم شخص و سوم شخص انجام دادم. بنابراین اینها افعال محدود هستند.

بنابراین، ما آن را با یک فعل مستقیم، یک شکل محدود، به جای یک مصدر، که می‌تواند رفتن باشد، بیان می‌کنیم. ما می‌گوییم، من می‌روم، یا تد می‌رود. بنابراین اینها افعال محدود هستند، در حالی که مصدر فعل محدود نیست.

وجه وصفی فعل‌های محدود نیستند، زیرا شما آن ارتباطات دستوری را با شخص ندارید، چه اول شخص، دوم شخص و سوم شخص، مفرد و جمع، و ما مرجع زمانی برای زمان، گذشته، حال و آینده نداریم. خوب پس وقتی آن را با تمام آن اطلاعات دوباره بیان کردیم، سعی می‌کنیم جمله‌ای را که ساخته‌ایم ترجمه کنیم. این نوعی پیش‌پردازش است، یک مرحله پیش‌پردازش که تیم ترجمه از آن عبور می‌کند تا بتوانند در مورد آنچه که واقعاً می‌گوید، فکر کنند. و وقتی تجزیه و تحلیل شد، ترجمه آن بسیار بسیار آسان‌تر می‌شود.

به چه زبانی این کار را انجام می‌دهیم؟ خوب، ما این کار را به هر زبانی که تیم ترجمه برای برقراری ارتباط استفاده می‌کند، انجام می‌دهیم. بنابراین، اگر در آمریکای لاتین باشد، آن زبان مشترک با همه افراد درگیر ممکن است اسپانیایی باشد. بنابراین، آنها در مورد آن به اسپانیایی صحبت می‌کنند، این جمله را به اسپانیایی می‌نویسند و سپس آن را از آنجا به زبان مقصد ترجمه می‌کنند.

می‌توانست بخش دیگری از جهان باشد، می‌توانست چینی باشد، می‌توانست هندی باشد. در شرق آفریقا، زبان سواحیلی است، و بنابراین ما در مورد این چیزها به زبان سواحیلی صحبت می‌کردیم، آن را تجزیه و تحلیل می‌کردیم، یک جمله به زبان سواحیلی می‌نوشتیم، و سپس آنها می‌گفتند، اوه بله، بسیار خوب، می‌توانیم آن را به زبان خودمان بگوییم. حالا که معنی آن را می‌دانیم، می‌توانیم آن را به همین شکل بیان کنیم.

وقتی در شرق آفریقا و در تانزانیا زندگی می‌کردم، از من خواسته شد که در یک کارگاه آموزشی در مورد کتاب رومیان و نحوه تفسیر و ترجمه کتاب رومیان شرکت کنم. بچه‌ها، قبل از انجام این کار، ناهارتان را آماده کنید، چون واقعاً نقش سختی است. و کاری که ما باید انجام می‌دادیم این بود که باید همه این اسم‌های انتزاعی همه این وجه وصفی‌ها و چیزهای دیگر را تجزیه می‌کردیم و به انگلیسی می‌نوشتیم، و بعد از اینکه به انگلیسی رسیدیم، تیم ترجمه گفت، خوب بله، می‌توانیم این کار را انجام دهیم.

یک مرد جوان، یک مرد جوان بسیار باهوش، ریچارد، انجیل‌ها را ترجمه می‌کرد و هر هفته فصل‌هایی را ترجمه می‌کرد. و به رومیان آمد، و تقریباً روزی دو آیه انجام می‌داد، و می‌گوید، این سخت است. وقتی این فرآیند را طی کردید، می‌گوید، خوب، این آسان است.

میشه به ما نشون بدید چطور اینو برای خودمون تجزیه و تحلیل کنیم؟ و بله، ما این کار رو کردیم. این کار بار مترجم رو از دوشش برمی‌داره که سعی کنه این متن واقعاً سخت رو برای فهمیدن عمیق کنه، و کار باهاش رو

براشون راحت‌تر می‌کنه. خب، ما در بحث قبلی در مورد این قسمت از میوه روح صحبت کردیم، و گفتیم که میوه روح، رابطه بین میوه و روح.

روح این عمل را انجام می‌دهد. روح در مردم میوه می‌دهد. و ما گفتیم، بسیار خوب، آن روح مردم را می‌سازد، باعث می‌شود شخص دیگران را دوست داشته باشد.

روح القدس مردم را شاد یا مسرور می‌کند، آنها را آرام و صبور می‌کند، باعث می‌شود فرد با دیگران مهربان باشد، باعث می‌شود فرد با دیگران مهربان باشد، باعث می‌شود فرد وفادار باشد یا به او کمک می‌کند تا خود را کنترل کند. بسیار خب، و مرحله آخر نوشتن کل آیه است. ما در بحث قبلی این کار را نکردیم و اکنون می‌خواهم این کار را انجام دهم زیرا انجام بخش تفسیر و کندوکاو در معنی، نیمی از معادله است.

تا وقتی که واقعاً سعی نکنی آن را در یک جمله بگنجانی، متوجه می‌شوی که نمی‌توانم همه این چیزها را همین‌طوری فهرست کنم. باید مثل یک جمله معمولی جریان داشته باشد، و گاهی اوقات، باید رابط اضافه that یا به عبارت دیگر as a result of یا because یا that یا this را اضافه کنی. باید a یا the کنی. باید را به هم وصل کنی.

بنابراین، این چیزی است که ما به آن رسیدیم. روح القدس شخص را قادر می‌سازد تا دیگران را دوست داشته باشد. او آنها را شاد می‌کند.

او آنها را آرام می‌کند. روح القدس به فرد کمک می‌کند تا با دیگران صبور باشد. او به آنها کمک می‌کند تا با مردم مهربان باشند.

او آنها را قادر می‌سازد تا با مردم به نرمی رفتار کنند. او آنها را وادار می‌کند که با مردم وفادار باشند. او به آنها کمک می‌کند تا خود را کنترل کنند.

نظر شما چیست؟ بنابراین ترجمه‌ای که من به آن رسیدم بی‌نقص نیست، اما امیدوارم آنها را کمی به جایی که باید باشند نزدیک‌تر کند تا بتوانند در نظر بگیرند که خب، حالا چطور می‌توانم این چیزها را به زبان خودم بگویم؟ و بنابراین وقتی آن را می‌نویسید، دوباره، گفتیم که این نوعی پیش‌نویس اولیه از نحوه بیان آن به زبان مقصد است و سپس تیم ترجمه باید تعیین کند، خب، حالا که آن را هضم کرده‌ایم، حالا که آن را در ذهن خود مفهوم‌سازی کرده‌ایم، و فکر کرده‌ایم که چگونه مردم ما نمی‌توانند آن را دریافت کنند، حالا فکر می‌کنیم چگونه می‌توانیم آن را برای مردم خود بیان کنیم؟ تمام این فرآیند، این مرحله بین تفسیر و نوشتن آن در ترجمه است. بنابراین، ما در این فضای میانی از تأمل در این متن، درونی‌سازی معنا، فکر کردن به مشکلات مختلف ترجمه بر اساس زبانی که با آن کار می‌کنیم، اینکه چه اطلاعات ضروری برای انتقال داریم و چه قالب‌های زبانی در زبان مقصد باید برای دستیابی به همه آن اهداف استفاده کنیم، قرار داریم. بنابراین، آن فضای میانی جایی است که بسیاری از مترجمان وقت خود را در آن می‌گذرانند، و سپس، وقتی به آنجا رسیدند، می‌توانند آن را بیان کنند.

و بنابراین فرآیند انجام این کار و نوشتن یک نسخه پیش‌نویس واقعاً در آن فضای میانی مفید است، و سپس این انتقال به زبان مقصد را بسیار بسیار آسان‌تر می‌کند. خب، ترجمه صفت‌های کلامی. بنابراین، یک کلمه کلامی، که اغلب به عنوان اسم بیان می‌شود، برای توصیف یک شخص یا یک چیز استفاده می‌شود، و معمولاً ما به آن اشاره می‌کنیم و آن را ترجمه می‌کنیم.

این یک الزام نیست، اما یکی از بهترین شیوه‌هایی که مترجمان انجام می‌دهند این است که آن را به یک جمله (چه کسی (وجود دارد، یعنی کسی که کاری را who واره موصولی تبدیل می‌کنند. یعنی جمله واره‌ای که در آن

انجام می‌دهد، و سپس فعل را صریح می‌نویسند. به یاد داشته باشید، ما آن را به یک فعل محدود تبدیل می‌کنیم.

بسیار خوب، پس برگزیدگان او افرادی خواهند بود که او برگزیده است. ناجی کسی است که دیگران را نجات می‌دهد. گناهکار کسی است که گناه می‌کند یا خدا را می‌رنجاند یا از خدا نافرمانی می‌کند.

رسول کسی است که توسط کسی فرستاده شده است. بنده کسی است که خدمت می‌کند. حاکم کسی است که بر یک کشور یا گروهی از مردم حکومت می‌کند.

ناظر کسی است که بر مردم نظارت می‌کند. گاهی اوقات، در یونانی، اسم است؛ گاهی اوقات، یک فعل مضارع است. در عبری، اغلب اوقات، آنها فعل مضارع هستند، اما آیا در زبانی که شما به آن ترجمه می‌کنید، فعل مضارع دارند؟ سوال این است.

خب، حالا ترجمه صفات فعلی را تجزیه و تحلیل کردیم. بیایید از چند مثال برای اسم‌ها و وجه وصفی فعلی استفاده کنیم. طبق اعمال رسولان ۴:۱۲، در هیچ کس دیگری نجات نیست.

دوباره، چه کسی نجات می‌دهد؟ خدا عیسی را نجات می‌دهد. آنها چه کسی را نجات می‌دهند؟ آنها مردم را نجات می‌دهند. آنها را از چه چیزی نجات می‌دهند؟ از عذاب ابدی گرفته تا مجازات شدن توسط خدا به خاطر گناهانشان.

اما اگر بخواهیم به طور نسبتاً سراسر بگوییم، می‌توانیم بگوییم که هیچ کس دیگری نمی‌تواند مردم را نجات دهد. و اگر بخواهیم به آن مجازات اضافه کنیم، اشکالی ندارد. و تا زمانی که سعی نکنیم آن را در اعمال رسولان ۴:۱۲ قرار دهیم، یک چیز است که همین جا این کار را انجام دهیم، اما چیز دیگری است که واقعاً آن را در آیه قرار دهیم.

این می‌تواند کمی پیچیده باشد، چون ما در مورد اضافه کردن رابط‌ها و چیزهای دیگر صحبت کردیم، که باعث می‌شود جمله و اطلاعات به درستی در آن زبان جریان پیدا کنند. جیمز ۴:۹، بگذار خنده‌ات به سوگواری تبدیل شود. خنده اسم است و سوگواری وجه وصفی است.

و یعقوب آنها را نصیحت می‌کند، شاید حتی سرزنششان می‌کند. شما نباید بخندید، بنابراین او به آنها می‌گوید که خندیدن را متوقف کنند، بلکه در عوض، باید شروع به سوگواری کنید. بنابراین این یکی از راه‌های دور زدن این اسم‌ها و صفت‌های انتزاعی است.

بسیار خوب، در اول تسالونیکیان ۴:۱۵، ما که زنده‌ایم و تا آمدن خداوند باقی می‌مانیم. و به یاد داشته باشید که چه گفتیم: کارکرد این عبارت وصفی چیست؟ در واقع یک عبارت حرف اضافه است وقتی خداوند می‌آید. بنابراین، ما که زنده‌ایم، تا آمدن خداوند یا تا زمانی که او عشق تو را به ما نشان دهد، باقی می‌مانیم.

عشق شما، ابژه شما، که توسط شما، به عبارت دیگر، مردم، تسخیر شده است، چیزی شبیه به این. او به ما گفته است که چگونه شما دیگران را دوست دارید. او به ما گفته است که شما دیگران را دوست دارید یا نحوه دوست داشتن دیگران را.

روشی که شما، دوباره، اگر بگوییم عشق خود را به مردم نشان دهید، عشق را به عنوان یک چیز دوباره در آن قرار داده‌ایم. بنابراین، باید مراقب باشیم که این کار را نکنیم. ما فقط اجازه می‌دهیم فعل به تنهایی باقی بماند.

جالب اینجاست که در انگلیسی، ما یک زبان اسم محور داریم. ما تا حد زیادی بر اساس اینکه اسم در جمله چیست عمل می‌کنیم و این اطلاعات بیشتری به ما می‌دهد. در سواحیلی، این یک زبان فعل محور است.

است، یک کلمه. و می‌توانید بگویید، او رفت alienda، بنابراین، اگر بگویید، او به خانه رفت، او رفت، یک کلمه کل جمله است. alienda.

را دارد، زمان فعل را دارد که به معنی گذشته است، و عمل را انجام داده است. همه he یک کلمه پیشوند اینها یک کلمه است. او آن را خرید، یا او کتاب را خرید.

علی نینوایی کیتابو، او کتاب خرید. حتی می‌توانید بگویید، علی کی نینوآ، او آن را خرید. و تمام این‌ها یک کلمه است.

بنابراین، ما باید مغزمان را در مورد نحوه عملکرد این زبان‌ها بسنجیم تا بتوانیم آنها را به بهترین شکل ممکن بیان کنیم. خوب. آیا زبان سواحیلی اسم‌های انتزاعی دارد؟ بله.

دارند؟ بله. اما باید مراقب باشیم که آنها با نحوه‌ی of آیا از آنها استفاده می‌کنند؟ بله. آیا عبارات ملکی با معنی و کاربردشان در یونانی و انگلیسی با نحوه‌ی استفاده از آن در سواحیلی مطابقت داشته باشند.

و ما مثالی خواهیم داشت از زمانی که این کار را نمی‌کند. و مشکل همین است، یعنی ممکن است فرض کنند که معنی آن را می‌دانند، اما در واقع، ممکن است ندانند. و این به این دلیل نیست که آنها باهوش نیستند؛ بلکه به این دلیل است که آنها یک تصور از پیش تعیین‌شده در مورد معنی یک کلمه یا عبارت خاص در ذهن خود دارند.

باشه. خیلی خوب، ادامه می‌دیم. یه مثال از جمله‌ای که اسم‌های انتزاعی و وجه وصفی توش داره، می‌زنم.

یحیی در بیابان ظاهر شد و تعمید توبه برای بخشش گناهان را موعظه می‌کرد. کاملاً سراسر است. یا نه؟ خوب، افعال چیست؟ بابتیست.

بنابراین، فعل «تعمید دادن» است. و یحیی کسی است که تعمید می‌دهد، و مردم را تعمید می‌دهد. یحیی تعمید دهنده ظاهر شد.

به آن اضافه شده است ed. خوب، این یک فعل ساده است. یک فعل محدود است.

(موعظه کردن) یک فعل کمکی است. یوحنا داشت Preaching. ما می‌دانیم که این فعل زمان گذشته است. موعظه می‌کرد.

یحیی داشت به مردم موعظه می‌کرد. و یحیی چه چیزی را موعظه می‌کرد؟ یحیی داشت نوعی پیام را به مردم موعظه می‌کرد. تعمید.

و شرکت‌کنندگان، یحیی هستند که مردم را غسل تعمید می‌دهد. حالا، اگر بگویید، یحیی تعمیددهنده، آیا این می‌گذارید، حالا آن چیز به er- می‌تواند درست باشد؟ این دوباره آن را به اسم تبدیل می‌کند. وقتی روی چیزی اسم تبدیل می‌شود.

و ما سعی می‌کنیم با گفتن مستقیم آن به عنوان فعل مستقیم و شخصی که اعمال را انجام می‌دهد، از این امر جلوگیری کنیم. خب، غسل تعمید. توبه به معنای پشیمان شدن است.

به معنای روی گرداندن از است. مردم انجام کاری را متوقف می‌کنند. بنابراین، در این مورد، آنها از گناه توبه می‌کنند و گناه نوعی توهین به خداست.

بخشش. می‌گوید، برای بخشش گناهان. آیا می‌گوید چه کسی می‌بخشد؟ خیر.

آیا می‌گوید چه کسی بخشیده می‌شود؟ نه. اما ما می‌دانیم که خدا می‌بخشد. او تنها کسی است که می‌بخشد.

و مردم بخشیده می‌شوند، و آنها به خاطر گناهانی که مرتکب شده‌اند، به خاطر اینکه چگونه در حق خدا گناه کرده‌اند، بخشیده می‌شوند. خب، گناه در واقع می‌تواند یک مفهوم کلامی باشد. گناه کردن.

مردم گناه می‌کنند، و در این مورد، علیه خدا. بسیار خوب، بیایید روی این موضوع کار کنیم که چگونه همه اینها را کنار هم قرار دهیم. خب، این آیه است، و قبل از اینکه به بخش بیان مجدد برسیم، باید چند سوال بپرسیم.

پس، تعمید دهید. یحیی چه کسی را تعمید می‌دهد؟ او در بیابان مردم را تعمید می‌داد. توبه کنید.

چه کسی توبه کرد؟ مردم توبه کردند. چه کسی می‌بخشد؟ خدا می‌بخشد. غسل تعمید توبه چیست؟ رابطه بین غسل تعمید و توبه چیست؟ برای انجام این کار، باید سناریوی مربوط به این موضوع را در ذهن خود تصور و تصویر کنیم.

این اتفاق برای یحیی و مردم در بیابان افتاد، جایی که او در رود اردن تعمید گرفت. اما ما همچنین می‌توانیم در ذهن خود تصور کنیم که وقتی شخصی این کارها را انجام می‌دهد چه اتفاقی می‌افتد. خب، یک شخص اول چه کاری انجام می‌دهد؟ آنها اول توبه می‌کنند.

و بعد از توبه، غسل تعمید می‌گیرند. و معمولاً، شما می‌پرسید، باشه، من توبه می‌کنم. از کاری که کردم متاسفم.

بنابراین، پشیمانی و به دنبال آن توبه وجود دارد. و سپس آنها می‌گویند، جان، می‌خواهم مرا غسل تعمید دهی. و آن غسل تعمید، وقتی که آنها غسل تعمید می‌گیرند، نشان می‌دهد که آنها تصمیم به توبه گرفته‌اند.

درست مثل امروز، اگر کسی مؤمن نباشد و غسل تعمید بگیرد، نشان می‌دهد که من به عیسی ایمان آورده‌ام و زندگی‌ام را وقف پیروی از عیسی کرده‌ام. بنابراین غسل تعمید نمادی از ایمان درونی است. بنابراین، غسل تعمید نشان می‌دهد که آنها توبه کرده‌اند.

و اینکه یحیی تعمید را موعظه کرد یعنی چه؟ ببخشید، اگر این را به ۱۰ نفر در خیابان که به کلیسا نمی‌روند بگویید، احتمالاً از هر ۱۰ نفر ۱۰ نفر می‌گویند، من اصلاً نمی‌دانم یعنی چه. این یک ساختار عجیب و غریب است که ما در کلیسا به آن عادت می‌کنیم، اما واقعاً شبیه انگلیسی خوب به نظر نمی‌رسد. این انگلیسی معمولی نیست.

او به آنها چه گفت؟ پس موعظه به معنای دادن نوعی پیام است، درست است؟ یا اعلام یک پیام خاص. او به آنها چه گفت؟ ما در بخش‌های دیگر کتاب مقدس سرنخی داریم و این جایی است که ما از کتاب مقدس

برای تفسیر کتاب مقدس استفاده می‌کنیم. و در اعمال رسولان ۲:۳۸، پطرس می‌گوید، توبه کنید و برای بخشش گناهان تعمید بگیرید.

تقریباً کلمه به کلمه درست به نظر می‌رسد، مثل مرقس ۱:۴. عیسی گفت، توبه کنید، زیرا پادشاهی نزدیک است. بنابراین، دعوت به توبه اولین چیز است. و تعمید بگیرید.

به عبارت دیگر، بگذارید شما را برای بخشش گناهان تعمید دهم تا گناهانتان بخشیده شود. بسیار خوب، پس بیایید سعی کنیم همه اینها را در یک آیه جمع کنیم. بنابراین این آیه است، و این هم یک راه ممکن

کامل نیست، اما یک راه ممکن برای بیان این موضوع این است. یحیی تعمید دهنده در بیابان ظاهر شد. او موعظه کرد که مردم باید از گناه توبه کنند و او آنها را غسل تعمید می‌داد و خدا آنها را به خاطر گناهی که علیه او مرتکب شده‌اند، می‌بخشید.

نظر شما چیست؟ در تانزانیا، ما تیم‌های ترجمه خود را در جنوب تانزانیا آموزش داده‌ایم، جایی که من کل این فرآیند را انجام می‌دادم. یکی از زبان‌هایی که ما با آن کار می‌کنیم زبان یاکوزا است. اکثر این زبان‌ها مدت‌هاست که کلیسا را در خود جای داده‌اند و حتی کشیش‌هایی به عنوان مترجم با ما کار می‌کردند. بنابراین آنها این را به یکی از زبان‌ها ترجمه کردند و آن زبان یاکوزا بود.

و آنها آن را چیزی شبیه به این نوشتند. خب، من در یک کلیسای یاکوزا صحبت می‌کردم و می‌خواستم ببینم که آنها از ترجمه چقدر خوششان می‌آید. خب، یک نسخه از ترجمه را همراهم داشتم و در مورد این موضوع بحث می‌کردیم. من وقتی داشتم این پیام را می‌دادم، از منبر در مورد این موضوع بحث می‌کردم و درک آن واقعاً سخت است.

کشیش کلیسا، اسقف آن منطقه نیز بود. بنابراین اسقف سیمون آنجا بود. او در ردیف جلو ایستاده است.

و از کشیش سایمون پرسیدم، میشه لطفاً بیای بالا و اینو به زبان یاکوزا بخونی؟ خب، اون اوامد بالای تریبون و اون رو به زبان یاکوزا خوند، و بعد انجیل رو بهم برگردوند، و شروع کرد به خندیدن. اون فقط شروع کرد به خندیدن و خندیدن و بعد رفت پایین، به سمت صندلیش برگشت، و ایستاد، و خم شد، و فقط داشت می‌خندید.

و او به صندلی‌اش برگشت، و من گفتم، کشیش بیشاپ، چرا می‌خندی؟ و او گفت این خیلی واضح است. او گفت یک کودک هم می‌تواند این را بفهمد. این فوق‌العاده است.

واکنش مشابهی. دوست من ادوارد مترجم زبان خودش، زبان پوگوما در کنیا، بود و آنها با استفاده از این اصول ترجمه کرده بودند. آنها کل عهد جدید را ترجمه کرده بودند و داشتند همه چیز را برای آخرین بار می‌خواندند.

و بنابراین از گروهی از کشیشان پرسیدند، آیا می‌توانید قبل از اینکه نسخه پیش‌نویس را تهیه کنیم، با ما بنشینید و آن را با ما بخوانید؟ و سپس می‌توانید بعداً نسخه پیش‌نویس را بردارید و آن را با کلیساها و سایر اعضای کلیسا بخوانید. اما ما می‌خواهیم اکنون یک بررسی نهایی انجام دهیم. و آنها از این مرد دعوت کردند که بیاید.

و او گفت، می‌دونی، من ارزشی توی این نمی‌بینم. نمی‌دونم چرا اینجا، اما باشه، باشه. امروز می‌مونم، و می‌بینم وقت دارم این کار رو بکنم یا نه.

خب، آنها قصد داشتند حدود دو هفته آنجا باشند تا کل کتاب را بخوانند، و او مطمئن نبود که می‌خواهد این کار را انجام دهد. او شک داشت چون بالاخره ما کتاب مقدس سواحیلی داریم. چرا به کتاب مقدس پوگوما نیاز داریم؟ آسان است.

فقط سواحیلی را بخوانید. همه ما به زبان سواحیلی صحبت می‌کنیم. بنابراین آنها با کتاب مرقس شروع کردند. و به این آیه رسیدند.

و این پیر گفت که من هرگز آن آیه را نفهمیده‌ام. شیوه‌ای که شما آن را بیان کرده‌اید بسیار خارق‌العاده است. این باعث می‌شود که آن را بسیار قابل فهم کند.

و او گفت که من تمام قرار ملاقات‌ها و تمام کارهای دیگرم را لغو می‌کنم. من تا دو هفته آینده اینجا خواهم بود. یک ترجمه خوب باید دقیق باشد.

باید طبیعی باشد. باید قابل فهم باشد. و باید برای مردم قابل قبول باشد.

اما یادتان هست آن یکی که گفتم چه بود؟ باید تأثیرگذار باشد. آن مرد تحت تأثیر زبان قرار گرفت. زبان خودش بود، و او تحت تأثیر پیام قرار گرفت زیرا به شیوه‌ای عمیق با او ارتباط برقرار کرد که قلبش را لمس کرد.

این چیزی است که ما به دنبال آن هستیم. در پایان، اسم‌های فعلی، صفت‌ها و وجه وصفی را با استفاده از افعال محدود به صورت دیگری بیان می‌کنیم و این مشارکین را صریحاً به کار می‌بریم. ما این کار را به عنوان پیشوند انجام می‌دهیم.

سپس مرحله بعدی این است که آن را در یک جمله بازنویسی کنیم تا بتوان آن را ترجمه کرد. متشکرم.

این دکتر جورج پیتون در حال تدریس ترجمه کتاب مقدس است. این جلسه 20، ایده‌های کلامی، بخش 2 است.